

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Examining the Place of Dialectics in Textual Architecture

در همین شماره به چاپ رسیده است.

بررسی جایگاه دیالکتیک در معماری متن‌وار*

سارا خدائی^۱، سیامک پناهی^{۲*}، مهرنوش قدسی^۳، لیلی کریمی فرد^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. استادیار گروه معماری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۴. استادیار گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ نظری معماری

مقاله پژوهشی

چکیده:

این پژوهش به بررسی جایگاه دیالکتیک در متن آثار معماری و نقش آن در فضای ذهنی طراحان و خلق فضای معماری بر این اساس می پردازد.

موضوع طراحی معناگرا و دارای هویت در معماری مسئله ای مورد بحث است. در زندگی پست مدرن کنونی که همه چیز پیوسته در حال تغییر است، نیاز به خلق فضاهایی برآمده از مفاهیم پایه هستی برای تعامل انسان با محیط و خلق مداوم رویدادها امری ضروری است. دیالکتیک به عنوان یکی از کنشهای هستی می تواند به مثابه مفهوم در پدیده ها و تبیین روش در مقوله ها نقش ایفا کند.

پژوهش بر پایه توصیفی، تحلیلی و به روش نشانه شناسی تفسیر و تاویل شده و لایه های مختلف وجودی مفاهیم و آثار معماری به روش قیاسی، استقرائی مورد تحلیل قرار گرفته است. سپس مفاهیم با روش دیالکتیکی بازنگری و شیوه های مختلف تعاملات مولفه های دوگانه و روابط آنها واکاوی گردید. در مرحله بعد مفاهیم به دست آمده به صورت موردی در آثار چند معمار برگزیده ایرانی و خارجی مورد آزمون و تفسیر قرار گرفت و نقش دیالکتیک در فضای ذهنی طراح برای خلق یک اثر، مورد خوانش قرار گرفت و نتایج به صورت هرمنوتیکی از آن استخراج گردید.

در نهایت این پژوهش در فرایند واکاوی آثار و بررسی روابط مولفه های متقابل و متعامل، به انواع دیالکتیک موجود در متن و نوع تعامل آنها در آثار معماری، که بیانگر پیوند وجودی انسان با طبیعت و هستی است، دست یافت که قابلیت تطبیق و تجسم بخشی به مولفه های مفهومی موثر در فرایند طراحی، خوانش متن آثار و پتانسیل هویت بخشی به فضاهای معماری در زندگی کنونی - که پیوسته در حال نوزایی است - را دارد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۳/۷

تاریخ بازنگری:

//

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۳/۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۹/۲۸

واژگان کلیدی:

دیالکتیک،

متن،

آثار معماری،

خوانش،

فضا.

* این مقاله از متن رساله دکتری معماری نویسنده اول با عنوان "تبیین مدل خوانش کالبدی معماری بر اساس دیالکتیک سنت و مدرنیته"، به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب تدوین شده است.

**

نویسنده مسئول: +989122646257, siamak_architecture@yahoo.com

کوئل ۱۳۹۶: ۳۷۲)

مطهری می‌گوید: از نظر هگل تعریف دیالکتیک سازش تناقض ها در امر ذهنی و عینی است. در این فرایند صیورورت یا صورت پذیرفتن در هستی متحقق میشود.

فرایند تحول در تبیین دیالکتیکی از مفاهیم انتزاعی آغاز و به موضوعات انضمامی ختم می شود. (توماس ت راسکین ۱۳۹۶: ۳۱۸) دیالکتیک مفهومی روش شناختی داشته و دربرگیرنده روشی برای تفکر و جست و جوی حقایق در قضایاست.

معماری نیز حاصل ارتباط و همکنشی پدیده هاست. فرایندی که در طول زمان پیش میرود و یکباره متولد نمیشود. از کنار هم قرارگیری پدیده ها یک رابطه دیالکتیکی به وجود می اید که به صورت مشخص نمیتوان حد و مرزی برای آن فرض کرد. (فیروز ۱۳۸۴) از نظر لویی کان معماری با حقیقت نسبت دارد و معمار وجهی از حقیقت را در کار خود آشکار می کند. جسم معماری عین جان آن است و جان آن عین جسمش. همه زیبایی در این دوگانگی متجلی است. آستانه جایگاه معمار است. همه موجودات عالم، اگر بسان آیه فهمیده شوند، آستانه هستند. (حجت ۱۳۹۵)

از اینرو ماهیت سیر تکاملی از معنا تا ماده در هنر و معماری جایگاه ویژه ای به دیالکتیک به عنوان روشی برای تجلی متن بر آمده از ذات هستی در تعامل با محیط می دهد. از آن جا که چگونگی ایجاد هویت، فضا سازی و تعامل انسان با فضا، برای اندیشمندان این حوزه همیشه مطرح بوده است، سیر دیالکتیکی نشات گرفته از ذات هستی می تواند به عنوان مفهوم و روش در این راستا نقش ایفا کند. از این رو در این پژوهش نقش و جایگاه دیالکتیک و انواع مختلف آن را در فرایند طراحی و خوانش متن معماری و به وجود آمدن یک اثر هنری که در پیوند با ابعاد وجودی هستی، تاریخ و انسان باشد، بررسی می‌کنیم.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس مطالعات میان رشته ای در حیطه فلسفه و معماری می باشد. روش پژوهش کیفی و بر پایه توصیفی تحلیلی می باشد. داده های این پژوهش با روش قیاسی (کل به جزء) و استقرائی (جزء به کل) مورد تحلیل قرار گرفت.

(شکل شماره ۱)

مقدمه

بررسی هویت و معنا در حوزه درک و احساس انسان معاصر به جهت پیوند آن‌تولوژیک با پدیده ها و قانونمندی های جاری در جهان هستی امری اجتناب ناپذیر برای ایجاد ارتباط تحلیلی با عینیت جوامع مدرن می باشد.

در جامعه پست مدرن با توجه به کثرت الگوهای فرهنگی و بازتاب آن در رفتار و رویدادهای اجتماعی نیاز به تدوین روشی کار آمد برآمده از مفاهیمی مرتبط با ذات هستی و هم راستا و هماهنگ با حرکت تکاملی جهان آفرینش، ضروری است.

طراحی یک اثر با رویکرد به ابعاد مختلف هستی، تاریخ، جامعه، فرهنگ و هنر در فرایند خلق و ارتباط آن با پدیده های مختلف دیگر، برای دستیابی به نتیجه بهتر، حائز اهمیت است.

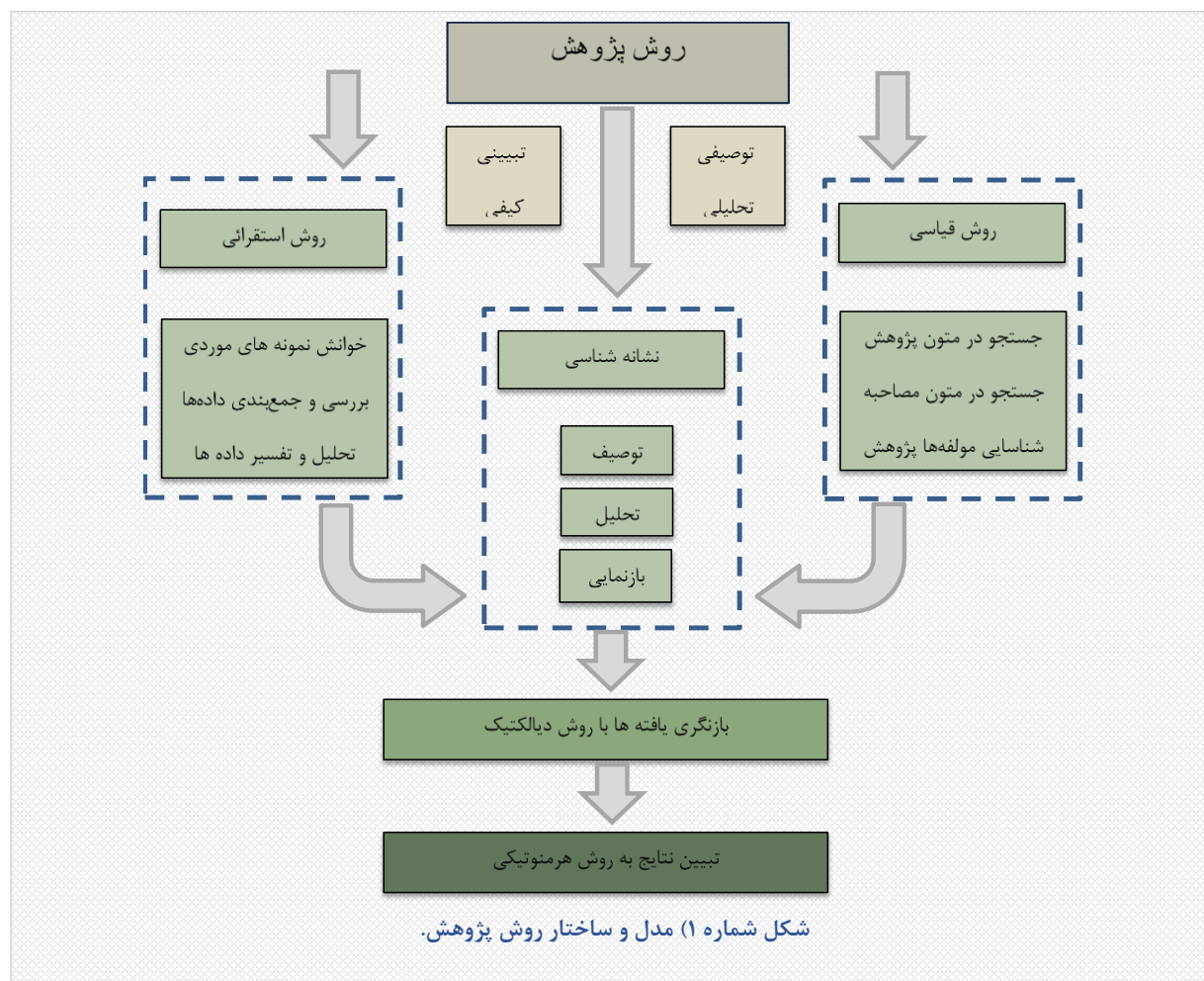
قوانین هستی و طبیعت پیش از پیدایش جوامع وجود داشته است. قوانین عینی انکشاف جامعه به واسطه قوانین تکوینی طبیعت می تواند کارایی داشته باشند. (جان بلامی

فاستر ۱۳۹۶: ۱۰۰)

دیالکتیک در فرایند تاریخی تکامل خود به عنوان روش و مفهوم در پدیده های تاریخی اجتماعی، رفتارها و تعاملات انسانی و فضاهای تحلیلی، تجربی سنتی و مدرن همواره نقش و جایگاه ویژه ای داشته است.

دیا به معنی از خلال و "راه به سوی" است. به سوی تجربه ای که همواره نو به نو می شود و خود را محبوس و بند هیچ قالب عملی که بی حرکت گردیده باشد، نمی‌کند. (ژرژ گوروچ، ۱۹۷۲: ۱۰۰). دیالکتیک با "خود موضوع" سروکار دارد اما "خود موضوع" خود را بیواسطه بر انسان نمی نماید. (کوسیک ۱۳۸۶: ۷). چنین است که ما پویایی اندیشه را به عنوان تعریف دیالکتیک پیشنهاد میکنیم. (فولکیه ۱۴۰۰: ۱۴۶)

مفهوم و روش دیالکتیک در پیشینه فکری شرق و غرب همواره حضور داشته است اما در قالب تدوین یافته خود در تفکر ژرف اندیش و علیت گرای اروپا ظاهر و در جدل های فکری یونان باستان/ایونیایی به کار گرفته شد. دیالکتیک در آغاز از مفاهیمی چون گفتار و هنر مباحثه نشأت گرفت. دیالکتیک در ابتدا مجموعه ای از قواعد منطقی نبود بلکه رابطه اجتماعی بود که قواعد منطقی به شکل ثانویه از آن منتج می شد. اولین بار زنون پارمنیدس آن را به کار برد. (جوئل



مبانی نظری پژوهش

• ادبیات دیالکتیک

سوژه دیالکتیکی با پاسخ دادن به پرسشنامه ای که هگل طراحی کرده (اتوبیوگرافی) خود را آشکار می کند و شامل سه آموزه است:

آموزه هستی به کیفیت، کمیت و اندازه تقسیم می شود. سوژه دیالکتیکی در این آموزه به واسطه روش "شدن" از بیرون تعیین می یابد.

آموزه ذات شامل زمینه، نمود و فعلیت است که به مرحله تعیین یابی درونی سوژه مربوط است. روش دیالکتیکی آن "بازتاب-زمینه مندی" نامیده می شود که می توان آن را "درونی سازی" هم نامید.

ابتدا با جستجو در لایه های متون مرتبط با تحقیق و متون مصاحبه معماران، نمونه های موردی پژوهش شناسایی و انتخاب شد سپس با بررسی و خوانش نمونه های موردی و جمع بندی داده ها به تحلیل محتوای آنها پرداخته سپس با روش نشانه شناسی به توصیف و تحلیل لایه های مختلف مفاهیم انجام شد و سپس نتایج پژوهش به دست آمد.

از آنجا که پژوهش دارای زمینه روش شناسی تفکر است با روش دیالکتیکی مفاهیم بازبینی شد و روند شیوه های مختلف تعاملات مولفه های دوگانه (بر اساس نظریه تعاملات دیالکتیکی ژرژ گوروچی) و روابط لایه های پدیده های سه سطحی که منتج شده به سنتز و نظریه دیالکتیک هگل هستند، مورد بررسی قرار گرفت و به روش هرمنوتیکی نتایج پژوهش از آن استخراج شد.

- گاستون باشلار در "دیالکتیک زمان": روش علوم معاصر بر دیالکتیکی کردن امر بسیط استوار است. دیالکتیکی که خود نیز متحرک است. دیالکتیک روشی عملی است که می خواهد پرده از ظاهر طرد مقابل دو حد مغایر بردارد و این دو حد در تحلیل دیالکتیک به مثابه توأمان نمودار می شوند که هر یک از آن ها در رابطه تابعی با دیگری به کرسی می نشیند و یا حداقل این دو در یک مجموعه وارد می شوند. (همان: ۱۸)
- دیالکتیک به عنوان روش همواره نفی است، اما این نفی بخاطر آن نیست که تزاها و آنتی تزاها را در مقابل هم قرار می دهد، زیرا این مساله فقط نمایشگر اسلوب قطبی ساختن است. نفی دیالکتیک تنها ویران ساز منطق صوری، امر منتزع و استدلال بحثی است تا به مسائلی برسد که امور مذکور بر آن ها پرده می افکنند. (همان: ۲۷)
- دیالکتیک هرگونه تثبیت ظاهری را در واقعیت اجتماعی و نیز در هر معرفتی متزلزل میکند و نبردی است بر ضد ثبات ساختگی، در واقعیت و هم در مفهوم و اثبات می کند که تا چه حد حقیقت و واقعیت پیچیده و منعطف هستند.
- اساس دیالکتیک، وحدت اضداد است. قسمی وحدت که در بر گیرنده این همانی انضمامی اضداد و همچنین شامل تفاوت های آنهاست. (لوسین سو)
- دیالکتیک همچون فصلی در تاریخ فلسفه چیزی متعلق به گذشته نیست، بلکه شناخت نظرورزان ناشی از نوعی فکر کردن به آینده ایست که متحقق نشده؛ دیالکتیک شیوه ای از فهم است. (فردریک جیمسون)
- دیالکتیک در مقابل تمامیت بخشی می ایستد، اما در جهت تمامیت حرکت می کند. (جوئل کوئل)
- دیالکتیک به طور کلی اصل حرکت، کل زندگی و کل فعالیت های بالفعل است. دیالکتیک جان مایه تمامی دانش علمی راستین است. تمام چیزهای کرانمند به جای اینکه تثبیت شده و در شکل نهایی خود باشد، قابل تغییر و نابود شدنند. دیالکتیک قدرتی کلی و مقاومت ناپذیر است که در مقابل آن هیچ چیز ماندگار نیست. (هگل)
- تاثیر نیرومند فهم این واقعیت که چیزها به هم ربط دارند، بیانگر این است که نمی توان بدن را از ذهن، اقتصاد را از

- آموزه مفهوم به سه بخش سوژه، ابژه و ایده تقسیم می شود و روش دیالکتیکی آن "تکوین و انکشاف" است. (توماس ت. راسکین: ۱۳۹۶)
- در شرح فرایند دیالکتیک، هر پدیده ای هویتش را تنها از رابطه دیالکتیکی اش با عنصر متضاد بدست می آورد که باعث پیدایی عنصر سوم میشود که هم دو عنصر دیگر را نفی می کند و هم آن را متحقق می کند و در نتیجه وضعیت یک پدیده آغازگر حرکت درونی آن است (لوسین ۱۳۹۶)
- دیالکتیک دارای سه وجه است، که خودشان نیز با هم دارای مناسبات دیالکتیکی اند:
- دیالکتیک در مقام حرکت عینی و واقعی؛ راهی است که کلیت های انسانی و واقعیت های اجتماعی تاریخی در پیش گرفته اند.
- به عنوان مفهوم آن چیزی است که در تمام اجزاء هستی و طبیعت نهفته است.
- به عنوان روش، دیالکتیک طریقه شناسایی کامل حرکت کلیت های اجتماعی و تاریخی است.
- وجه آخر مناسبات دیالکتیکی است که میان مفهوم متعلق به یک علم و روشی که این علم به کار می برد و موجود واقعی برقرار می شود. (گوروچ ۱۹۷۲)
- دیالکتیک دارای جهتگیری های مختلف است. نخستین جهت گیری به واکنش یا تفکر به صرف خویش مرتبط می شود، این شیوه را می توان به شکل "همزمانی" در دیالکتیک توصیف کرد. جهت گیری دوم مسائل مربوط به عینیت، روایت و تبیین تاریخی را برجسته می نماید. چیزی است مرتبط با تحولات "درزمانی". سومین سویه دیالکتیکی بیشتر بر جنبه هایی از طرز کار دیالکتیک متمرکز می شود. در واقع تأکیدی است بر خود تناقض و شاید باید در این رابطه به برشت ارج بگذاریم. برای این آموزه که تفکر دیالکتیکی با تناقض آغاز می شود. (فردریک جیمسون، ۱۳۹۶)

• تعاریف دیالکتیک

- دیالکتیک در مقام حرکت واقعی، حرکت گروه ها و طبقات جوامع و آثار تمدنی و ساخت آن ها و در نهایت مشارکت آن ها است، حرکتی که لاینقطع در راه پر پیچ و خم خود با دشواری های جدید و پیش بینی نشده درونی و بیرونی روبرو میشود (گوروچ، ۱۳۹۷: ۱۳)

فرهنگ، امر فیزیکی را از امر زیست شناختی، "جدا کنید". این در هم تنیدگی پدیده‌ها نشان دهنده "یکی" بودن آن‌ها است. مولفه‌ای مهم در شعور عرفانی

○ که مدعی "یگانگی" ما با جهان است. (ریچارد لوییس) دیاالکتیک تلاشی است برای فهمیدن جهانی که پیوسته در حال تغییر و تعامل است. (برتل اولمن) (جدول ۱)

جدول شماره ۱) تاریخ دیاالکتیک.

ردیف	اندیشمندان	تاریخ زیسته	نوع دیاالکتیک	سنتز دیاالکتیک	ساحت دیاالکتیک	شرح دیاالکتیک
۱	لائوتسه	سده چهار ق.م	بین و یانگ (تائو)	چرخه تضاد	هستی-طبیعت-انسان	فنگ شویی - منطق فازی
۲	بودا	۴۸۶-۵۶۶ ق.م	بیداری و رهایی	نیروانا	هستی-انسان	حرکت به سوی نیروانا
۳	کنفوسیوس	۴۷۹-۵۵۱ ق.م	وحدت و پایداری (شهر)	لی	انسان	انسان محور - روشی برای زندگی
۴	هراکلیتوس	۴۷۵-۵۳۵ ق.م	لوگو و نوشتار	پالموس	هستی-انسان	سیلان در تمام پدیده‌ها - ستیز میان اضداد
۵	سقراط	۳۹۹-۴۷۰ ق.م	دموکراسی و مونارشی، الیگارش	اریستوکراسی	جامعه - انسان	پرسشگری متوالی و هدفمند
۶	افلاطون ۱	۳۴۷-۴۲۷ ق.م	حضور و غیاب (گفتار و نوشتار)	دیاالکتیک	هستی - انسان	سلسله مراتب وجودی - ثابت
۷	افلاطون ۲	۳۴۷-۴۲۷ ق.م	پوئیسس، میمیسس	تخنه	هستی	حرکت به سوی خلق تخنه
۸	ارسطو	۳۲۲-۳۸۴ ق.م	کاتارسیس، اروس	متافیزیک	هستی - انسان	سیر در بلاغت و منطق
۹	فلوطین	۲۷۰-۲۰۴ م	توالی و تناوب	تداوم	هستی	دو پدیده یکدیگر را بدون انحلال در می‌نوردند
۱۰	فرانسیس، دوم ینک	۱۱۷۰-۱۲۲۱ م	درویش و معلم	پروتستان لوتر	جامعه - انسان	فقر و ساده زیستی در مقابل تجملات کلیسا
۱۱	کانت	۱۷۲۴-۱۸۰۴ م	پندار و پدیدار (نومن، فنومن)	خود استعلائی	هستی - انسان	سیر از کثرت به وحدت، حرکت در منطق نمودها
۱۲	فیخته	۱۷۶۴-۱۸۱۴ م	من و جز من	ایدئالیسم	جامعه - انسان	دیاالکتیک سوژکتیو، رفت و برگشتی پایان ناپذیر
۱۳	پرودن	۱۸۰۹-۱۸۶۵ م	جدلی الطرفین (پلورالیسم)	بدون سنتز	جامعه	عمل گرایی، جستجوی تعادل‌های موجود در تنوع
۱۴	مارکس	۱۸۱۸-۱۸۸۳ م	کاپیتالیسم و پرولتاریا	مارکسیسم	تاریخ - جامعه	سیر جدالی، فرد جامعه تاریخ به هم می‌پیوندند
۱۵	هگل	۱۸۳۴-۱۹۱۹ م	تز و آنتی تز	سنتز	هستی	سیر از جوهر وجودی تا روح مطلق
۱۶	نیچه ۱	۱۸۴۴-۱۹۰۰ م	پیش از اخلاق و اخلاق	ماوراء اخلاق	انسان	سیر تکاملی انسان
۱۷	نیچه ۲	۱۸۴۴-۱۹۰۰ م	انسان سنت، انسان مدرن	ابر انسان	انسان	ابر انسان
۱۸	سوسور	۱۸۵۷-۱۹۱۳ م	لانگ و پارول	نشانه شناسی	هستی - انسان	نشانه شناسی
۱۹	هایدگر	۱۸۸۹-۱۹۷۶ م	بودن و نبودن	شدن	هستی - طبیعت	حرکت در حقیقت و شی تواما (هستی شناسانه)

ادامه جدول شماره ۱) تاریخ دیالکتیک.

ردیف	اندیشمندان	تاریخ زیسته	نوع دیالکتیک	سنتز دیالکتیک	ساحت دیالکتیک	شرح دیالکتیک
۲۰	فیلسوفان معنوی نئوماتریالیسم	۱۹۸۰-۱۹۰۰ م	سوپژه و ایزه	مرگ سوپژه	هستی - انسان	سیر در ابعاد مادی، ذهن و مغز
۲۱	لکان	۱۹۸۱-۱۹۰۱ م	خود و دیگری (فاز آینه ای)	نماد	انسان	سیر روانکاوانه شناخت خود (نظم بنیادین)
۲۲	الکساندر کوژو	۱۹۶۸-۱۹۰۲ م	ارباب و برده	بدون سنتز	تاریخ	سیر تاریخ اجتماعی بشر
۲۳	سارتر	۱۹۸۰-۱۹۰۵ م	وجود و ماهیت	آگزیستانسیالیسم	جامعه - هستی	به شرایط انسانی و عمل اجتماعی وصل میشود
۲۴	رولان بارت	۱۹۸۰-۱۹۱۵ م	مولف و متن	خواننده	انسان	رمزگان و فضای ابعادی متن
۲۵	میشل فوکو	۱۹۸۴-۱۹۲۶ م	باستان شناسی و معاصرشناسی	تبارشناسی	تاریخ	سیر در تاریخ فضاوندی- فضاهای متفاوت
۲۶	بودریار	۲۰۰۷-۱۹۲۹ م	واقعیت و بازنمایی	وانموده	جامعه	روابط میان واقعیت و حاد واقعیت
۲۷	ژاک دریدا	۲۰۰۴-۱۹۳۰ م	دیگر بودگی، اکنونیت	دیکانستراکشن	هستی	واسازی معنا و حضور در زمان، تعلق به حال
۲۸	جیمسون	۱۹۳۴ م	جا و دگرجا	موقعیت سوژگی	هستی	همزمانی، در زمانی و تناقض
۲۹	اوژه	۱۹۳۵ م	مکان و نامکان	بدون سنتز	هستی - انسان	مکان انسان شناختی و انسان سوپر مدرن

ماخذ: <https://sanad.iau.ir/fa/Article/1123933>

پیشینه تاریخی دیالکتیک

• روابط تعاملی دیالکتیک

الف) تکامل متقابل دیالکتیکی: در این رابطه تعاملی از طرد متقابل حدها و عناصر متضاد چشم می پوشیم. عناصر مذکور توأمان جلوه می کنند و هر یک در رابطه تابعی با دیگری است و بر این اساس وارد یک مجموعه می گردند. مجموعه ها می توانند مفهومی و یا واقعی بوده؛ دارای پیوستگی و همسازی زیاد یا کم باشد. این تکامل می تواند متناوب و همسو باشد و یا ناهمسو و جبرانی رفتار کند .

ب) تضمین متبادل: این رابطه بر این پایه استوار است که در عناصر یا حدهایی که در نظر اول ناهمگن و یا متضاد هستند، بخش هایی را بازبایم که یکدیگر را قطع می کنند و همدیگر را تا حدی در بر می گیرند و یا به طور قسمی و جزئی دسته ای از آن ها در دسته ای دیگر سریان دارند .

پ) ابهام دیالکتیکی: این نکته از کشف های فروید است که آنچه ناشی از واقعیت انسانی است، مهر و نشانی از ابهام دارد. در این روابط تمامیت پدیده هایی که در حال حرکتند دارای دو

ارزش مخالف هستند. مثل کیفیات یا حالات متضاد در یک پدیده؛ اثبات و نفی متقارن یا متناوب در یک موضوع. قطبی شدن دیالکتیکی: این روابط به پدیده هایی اشاره دارد که در عالم واقع بیش از همه جدلی الطرفین به نظر می رسند و انفصال و بریدگی های آشکار در حرکت ها، جهت گیری ها و زمان های مختلف گاهی باعث ظهور و بروز تضاد هایی به صورت سلسله مراتبی نیز می شوند.

ث) تقابل مناظر: در عناصری که نه ادغام می شوند و نه پذیرای تفکیک هستند، تقابل عظیمی را در می یابیم. این تقابل چنان شدید است که به نوعی توازی یا تقارن میان جلوه های عناصر مذکور می انجامد تقابل مناظر دارای درجات متغیری از لحاظ شدت و ضعف است که وجوه های متنوعی دارند. (گورویچ ۱۹۷۲)

• برخی از انواع دیالکتیک در مفاهیم هستی شناسی

الف) هستی و نیستی: هگل می گوید هستی و نیستی عناصر جدایی ناپذیراز وحدت هستند و البته عنصر سومی را نیز نشان می دهد که "گردیدن" است. گذار از یکی به دیگری عین

"گردیدن" است. هستی و نیستی به واسطه این عنصر سوم وجود پیدا می کنند. هگل تضاد را ریشه هر نوع حرکت و هر نوع جلوه حیاتی می داند. هنگامی که موجودی قادر نیست از تعیین مثبت خویش به تعیین منفی گذر کند، وحدتی زنده نیست.

ب) حضور و ظهور: پدیده‌ای ظهور منجر به آفریدن خصوصیات جدیدی می شود، منشا این خصوصیات جدید از یک موقعیت قبلی نشأت گرفته اند، (که دیگر ظهوری در کار نیست) یا خصوصیات جدید از هیچ آفریده شده اند؟! **(لوسین سو، ۱۳۹۶: ۱۵۴)**

هر دو موضع به صورتی برابر مهمل اند. تنها گزینه ما شروع کردن به تفکر به صورت دیالکتیکی است. به تعبیر هگل چیز نو نمی تواند چه از طریق عناصرش و چه بدون آن ها توضیح داده شود. چیز نو تنها می تواند از طریق "روابطش" تبیین شود.

پ) بین و یانگ: یکی از عقاید کهن فلسفی چینی که تمامی جهات زندگی انسان را دربرمی گیرد، همه چیز و همه کس را به دو گروه اصلی بین و یانگ تقسیم می کند. بین و یانگ متشکل از یک کل و یک هیچ هستند که همان مفهوم تائو است. **(شوارتس ۱۳۸۳)** بین و یانگ منفرد نیستند و تنها در نسبت با یکدیگر قابل درک هستند. هرشی، هر موجود زنده و هر آنچه در کائنات و عالم هستی وجود دارد از بین و یانگ بوجود آمده است. آن ها فقط در صورت بودن با یکدیگر کامل هستند.

ت) پوئیسس و میمیسس: واژه پوئیسس در دوران اساطیر وجهی از آشکار نمودن امر نهایی و اسرارگونه است. به معنای هست کردن آنچه هنوز نیست، ابداع و از پرده بیرون آوردن بکار می رفت. میمیسس در دوران باستان صرفا به معنای مقابل به کار می رفت. سقراط و افلاطون میمیسس را به معنای تقلید از پدیدارها و نمودارهای طبیعی اشیا به کار بردند. برخلاف پوئیسس ابداع یک شی نیست. برای مثال آفرینش چیزها بوسیله خداوند تولید چیزهاست. ولی نقش این چیزها در آب دیگر تولید نیست و میمیسس است. تخته، ساختن و شگردهای ساختن و وجهی از دانایی است. **(پناهی، ۱۳۹۹)**

ث) زمان و فضا: فضا در تمام مخلوقات توانایی های فعال و منفعل دارد. در ارتباط با جنبه فعال فضا مفهوم زمان به صورت چیزی متحرک پدید می آید و در عین حال توانایی منفعل در

ماده که محصول مستقیم این حرکت است تجلی می یابد. نظریه باطنی علیت این حرکت را به صورت حرکت روح در فضا به سوی روح الهی توصیف می کند. مفهوم حرکت در فضا و زمان از نظر ابن عربی در آفرینش و تجلیات پس از آن به صورت "دم رحمان" بیان شده که بیانگر آن است که جهان در هر لحظه نابود شده و باز آفریده می شود بدون جدایی این دو مولفه از یکدیگر، آفرینش هر آن تجدید می شود (اردلان ۱۳۹۶).

ج) سوژه و ابژه: در قرون وسطا "ابژه" چیزی بود که در برابر ادراک، تخیل، حکم کردن و آرزو کردن قرار می گرفت و برعکس کلمه "سوژه" به معنی آنچه حضور دارد و به خودی خود و نه به واسطه تصور کردن، پیش افتاده است. مثلا چیزها (هایدگر ۱۳۹۹).

چ) صورت و محتوا: صورت چیزی است که یک شی به واسطه آن همانی است که هست **(نصر ۱۳۸۰)**. صورت به عنوان بازتاب یک واقعیت مثالی، دروازه ای است که به طرف باطن و ذات بی شکل گشوده می شود. صورت و معنا با یکدیگر تناسب دارند. یک رویت باطنی بر حسب ضرورت به وساطت یک زبان صوری بیان می شود **(بورکهارت ۱۳۴۹)**. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه میفرماید: "خدا در درون اشیا است و با آنها یکی نیست و بیرون اشیا است و از آنها جدا نیست" صورت و معنا نیز همین رابطه را دارند.

ح) آفاق و انفس: از اصولی که در انفسی کردن فضا نقش مهمی دارد، مسئله قطبیت فضا است. قطبیت و جهتندی در هر معماری با تاکید بر جهت های خاص نگاه، نور، حرکت، توجه و ... شکل پیدا میکند. اصل دیگری که به ویژه در آفاقی نمودن فضا نقش بنیادی دارد تشدید حرکت کالبدی (مکانیکی و فیزیکی) است. انواع هندسه های خطی و موجی، نامنظم، بدون محور، شکلهای نامتعیین و امتدادهایی که از نقطه دید خارج میشوند در آفاقی کردن فضا موثرند **(نقره کار ۱۳۹۴)**. بنابراین فضا امری صرفا عینی و یا ذهنی نیست بلکه هر دوی اینهاست. و تصویر فضای عینی در آینه دل و ذهن انسان است **(حجت ۱۳۷۷)**.

• برخی از انواع دیالکتیک در مضامین هنری

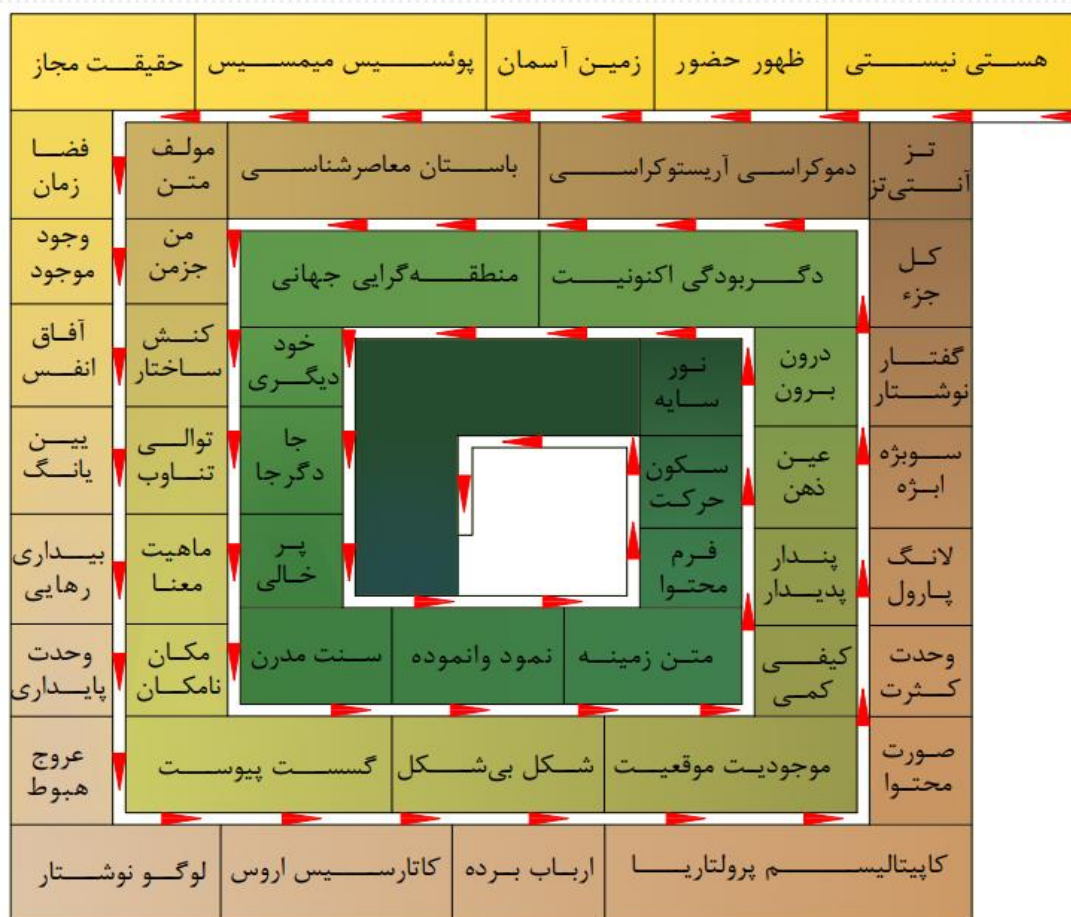
الف) عین و ذهن: به چگونگی و مناسبات پدیده ها با یکدیگر اشاره دارد. پدیده ها و فرایندهایی که برآمده از تحلیل و فرایند

کمیت منجر به یک جهش منقطع در کیفیت می‌شود (همان: ۱۵۲).

ب) کل و جزء: کل و جز دو تعین متضادند که هر کدام نسبت به دیگری به عنوان امر بیرونی دریافت می‌شوند، دو بخشی که می‌توانند از طریق انفصال یا اتصال به یکدیگر مرتبط شوند. کل یک یگانگی پیشینی دارای قابلیت تقسیم به اجزا است و اجزا هستارهای پیشینی نسبت به کل هستند که قابلیت شکل دهی به کل را دارند. کل می‌تواند به "انواع" گوناگون از اجزا تقسیم شود و اجزا می‌توانند در "کل های متفاوتی" مجدداً ترکیب شوند (لوسین سو، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

ذهنی هستند به تولید محصول می‌انجامند و از طرف دیگر پدیده‌های عینی که در تعامل با یکدیگر و مستقل از ذهن می‌باشند به عملکرد می‌انجامند. در فرایند ذهنی تا عینی روابط دیالکتیکی‌ای وجود دارد که باعث متحقق شدن پدیده سوم می‌شود. این فرایند از عالم خیال تا عالم ماده پیش می‌رود.

کمیت و کیفیت: یک چیز صرفاً تا جایی آن چیز است که چیز دیگری نباشد. این نفی هم یک محدودیت درونی و هم حدی بیرونی را مستقر می‌کند. یگانگی انضمامی دیالکتیک کمیت و کیفیت، اندازه نام دارد. که هگل آن را یک شیوه تعین ابژه بودن، به عنوان مقداری کیفی می‌داند. تغییرپذیری پیوسته



انواع دیالکتیک در مفاهیم هستی شناختی

انواع دیالکتیک در مصادیق تاریخی

انواع دیالکتیک در مضامین هنری

شکل شماره ۲) مدل مفهومی انواع دیالکتیک در ساحت های هستی، تاریخ و هنر.

(پ) **مکان و نامکان:** اگر بتوان مکان را هویت‌مند، رابطه‌مند و تاریخی تعریف کرد، فضایی که نتوان آنرا هویت‌مند، رابطه‌مند و تاریخی تعریف کرد، نامکان است. فرضیه‌ها این است که سوپرمدرنیته مولد نامکان‌ها است، یعنی فضاهایی که خود مکان انسان شناختی نیستند. نامکان‌ها فضاهایی هستند که ویژگی آنها بی‌نام و نشانی افرادی است که پذیرا میشوند بنابراین نامکان نقطه مقابل خانه و محل اقامت است. استفاده کننده نامکان تنهاست و در عین حال سبیه دیگران است و با نامکان رابطه‌ای مبتنی بر قرارداد دارد. فروشگاه‌های بزرگ، بزرگراه‌ها، سالن فرودگاه‌ها. فضاهای عجیبی که همه جا هستند و در عین حال هیچ‌جا نیستند.

(ت) **جا و دگرجا:** انفصال و اتصال: فضاها در معماری میتواند ضمن حفظ شخصیت خود و دارا بودن حرکت سیال درونی در یک ترکیب واحد قرار بگیرند. انفصالها در یک شبکه متصل و واحد قرار دارد. فضاهای باز و بسته تا حدودی در هم نفوذ میکنند تا فضاهای متوالی و متقاطع ایجاد کنند. و نیز حامل پیام از پدیده‌ای است که پدیده دیگری درون خود دارد و به سوی آن در حرکت است.

(ث) **خود و دیگری:** مرحله‌آینه‌ای شکل یافتن من را از رهگذر فرایند همانندسازی توضیح میدهد: من نتیجه همانندسازی شخص با تصویر آینه‌ای خود است. این همانندسازی من آرمانی را نیز دربرمیگیرد. من آرمانی همچون نویدی از یک انسجام آتی عمل کرده و با آینده‌نگری من را تقویت میکند. لکان جهان بشری را با سه ساحت وجودی امر نمادین، امر خیالی و امر واقعی پیکربندی میکند.

(ج) **فرم و محتوا:** از دیگر مقولات سه‌گانه دیالکتیکی می‌باشد و بیانگر آن است که به هر میزان مفهوم و محتوای یک پدیده تغییر کند صورت و فرمی که آن پدیده در جهان عینی به خود می‌گیرد تغییر می‌کند و در نتیجه این تعامل، عملکردی که از آن بدست می‌آید عوض می‌شود. از این دیالکتیک بر اساس نوع تعامل برایندهای مختلفی بوجود می‌آید که با بکارگیری می‌توان "شدن"های متنوعی را برای یک مقوله رقم زد.

(چ) **موجودیت و موقعیت:** یک پدیده براساس ذات و پتانسیل درونی که دارد وجودی از خود دارد که این ابعاد در تعامل با "جز من" که نقش موقعیت برایش دارد، دچار تغییر و تحولاتی می‌شود که بعد از درونی شدن در پدیده این فرایند را در تعامل با محیط تکرار می‌کند و این فرایند پیوسته در کل

هستی‌ساری و جاری است که شاخصه اصلی حیات می‌باشد و دائماً نوزایی‌هایی بوجود می‌آید.

(ح) **دگربودگی و اکنونیت:** ارتباط بین دال و مدلول و رابطه بین متن و تفسیر شناور و لغزان است. معماری در هر زمان و مکان باید اکنونیت داشته باشد. متعلق به زمان و مکان حاضر باشد. (آیزنمن ۱۹۸۹) حقایق و نمادهای گذشته باید شکافته شوند و مفاهیم جدید مطابق با شرایط امروز از دل آنها استخراج شود. دیکانستراکشن نوعی واریسی یک متن و استخراج تفسیرهای آشکار و پنهان از بطن متن است. (شکل شماره ۲)

بحث و بررسی پژوهش

بر اساس مطالعات استخراج شده از متون و ادبیات و پیشینه دیالکتیک و نتایج به دست آمده از انواع دیالکتیک که در ابعاد هستی‌شناسی، تاریخ و جامعه و مضامین هنری وجود دارند. برای خوانش این مقوله در متن آثار معماری، برخی از آثار معماری معاصر داخلی و خارجی، که با توجه به متون به دست آمده بررسی شد و از آرا و نظرات معماران، مواردی که پتانسیل بیشتری دارند، انتخاب شد که در ذیل به بررسی این نمونه‌ها با رویکرد جایگاه دیالکتیک در آنها می‌پردازیم.

• دیالکتیک در متن آثار برخی معماران

(الف) **ساختمان میراث فرهنگی (حسین امانت):** ورودی اصلی به اندازه یک طبقه پایین نشسته طراحی شده است. پس و پیش نشستن احجام نسبت به یکدیگر موجب میشود که ساختمان تکه تکه ولی همچون بخشی از بافت شهری به نظر آید. نظم و ریتم قوی نورگیرها و سقف‌ها این تکه‌ها را به هم میدوزد. متقارن نبودن نما و پیروی نکردن آن از طرح منظم و دوماحوری حیاط موجب انفصال این جداره‌ها با حیاط است. ایوان دو طرفه با هندسه هشت ضلعی نقاط مکث در مسیر حرکت ناظر از ورودی به دیگر فضاهای مجموعه است. راسته بازارچه در فاصله میان ایوان دو طرفه و هال مرکزی فضای عمومی و پویای مجموعه است. استفاده از قوس‌ها، تاق و تویزه درون برون بنا موجب پیدایی خاطره‌ای سنتی با ساخت منظم و مرتب در هیبت مدرن شده است.

(ب) **برج آزادی (حسین امانت):** بنا از چهار ستون عظیم تشکیل شده که در بالا به هم متصل میشوند و چهار تاق را تشکیل میدهند. سبک‌های معماری دوران‌های مختلف تاریخ

بیانگر نوعی شفافیت است. نورپردازی فضاها شکل پیچیده و زیبایی دارد. مفاهیم ضمنی و ناپیدا معماری ایرانی در هماهنگی با عناصر محیطی توکیو، در نما و حجم بیرونی بنا جلوه گر شده‌اند. مفاهیم آشکار، نمادین و کارکردی معماری ایرانی با کارکردهای جدید متحول شده و فضاهای داخلی را شکل داده است. فرم‌های ساده با تغییر دادن دیوارهای موقت، ترکیب‌های متنوعی از فضا را بوجود آورده است.

ج) کتابخانه منطقه کانسای، ژاپن (سیدهادی میرمیران): ایده طرح ترکیب سه شی با سه هستی متفاوت است. یکی از این سه شی تهی است که بر اثر تقابل دو شی دیگر پدید می‌آید. آن دو شی متضاد، یکی شفاف و نرم و دیگری تیره و سخت است. دو شی در حقیقت دو مکعب هستند که در اثر قرارگیری در برابر هم و کشش و مکش دو سویه، از سطح صاف به سطح پیچ خورده تبدیل شده‌اند و فضای میان آنها پیکر تهی را بوجود آورده است. از نظر کاربردی مکعب تیره از جنس فلز و مخازن کتاب است و مکعب شفاف از جنس بلور و به فضاهای سیال اختصاص دارد. فضای سوم فقط مملو از نور است. بخشی از پروژه در سطح پایین تر قرار دارد، نقطه عطفی در ترکیب بندی پروژه حاصل شده که فصل مشترک سطحی است که زمین و آسمان را جدا می‌کند.

چ) ساختمان فرهنگستان های جمهوری اسلامی ایران (سیدهادی میرمیران): طرح بر اساس هماهنگی با سایت، حفظ طبیعت موجود، احترام به محیط و اشراف به کوههای اطراف طراحی شده است. بخشی از طرح یادآور صفه های قدیمی است که در وسط مجموعه به دل زمین و حیاط مرکزی میرسد و سه برج بلند در تقابل با آن وجود دارد که همزمان طبیعت کوه دماوند را نشان میدهد حیاط به صورت گردشگاهی است که میتوان مناظر کوناگونی از کوههای شمال تهران را از زوایای مختلف آن مشاهده کرد، انحنای زمین همخوان با تغییر شکل احجام و عملکرد داخلی بنا میباشد. در ترکیب احجام سکون حیاط مرکزگرا، حرکت و سیال بودن فضاها و خلق فضاهایی که میتوان آنها را فضاهای رویداد حاصل از ترکیب چند عنصر غیرهمگن دانست، نمایان است.

ح) ویلا مایرآ (آلوار آلتو): نیت آلتو روی آوزدن به معماری انسانی است. معماری ای که در بند عملکردگرایی خشک نباشد بلکه به مسائل روانی نیز توجه کند. پالاسما به وجوه پدیدارشناختی این خانه اشاره میکند. هیچ نقطه مرکزی در

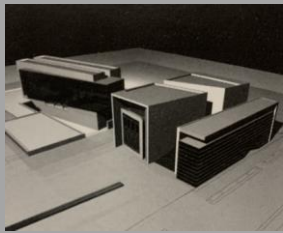
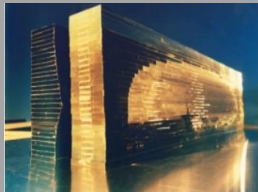
ایران با دیدگاهی کاملاً مدرن تلفیق شده است. به عنوان نمونه تاق بالایی به سبک اسلامی و تاق پایینی شبیه تاق کسری طراحی شده است. فضای سبز میدان بر اساس باغ سازی ایرانی، هندسه سایت پلان بر اساس فرم نقوش زیر گنبد مسجد شیخ لطف‌الله طراحی شده است. قوس‌های مخروطی و اصلی بنا در عین سادگی از پیچیدگی معادلات ریاضی برآمده است. توالی فضاها داخل میدان، رویدادهایی بر اساس نیازهای رفتاری و عاطفی انسان، خلق کرده است.

پ) موزه هنرهای معاصر (کامران دیبا): مجموعه از فضاهای بسته و حیاط میانی تشکیل شده است. فضای بسته موزه حلقوی است، دارای مرکزیت سنتی ولی میان تهی و در عین حال گره ارتباطی مهم بنا است. با طی مسیر در گالری‌ها، فرد به تدریج در داخل زمین فرو میرود. راهروها بصورت شیبراهه طراحی شده‌اند و حرکت را در فضای داخلی موزه پدید می‌آورند. در سازماندهی فضاهای بسته موزه، سرسرای اصلی نقطه آغاز و همین‌طور پایان حرکت بازدیدکننده است. حیاط میانی موزه شکلی نامنظم دارد که حاصل پس و پیش تنیدگی حجم گالری‌هاست که واجد سطوحی در ترازهای مختلف هست. دیواره‌های ساختمان رمزآلود و درون‌گرا و در عین حال احجام بیرونی و نورگیرها جزئی از بافت سنتی شهر، جلوه می‌کند.

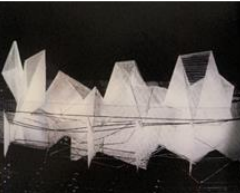
ت) ساختمان سفارت ایران در شهر دوشنبه (حسین شیخ زین الدین): در طراحی بنا مفاهیم معماری ضمنی و ناپیدا با مفاهیم آشکار و کارکردی تلفیق شده است. برخوردی نوآورانه با مفاهیم سنتی است. طرح کوشک مانند، فضا سازی، نوردهی و سبک کردن حجم نه از سطوح پیرامونی به درون، بلکه از درون به بیرون صورت گرفته است. در این بنا با شکستن مکعب در امتداد دو محور، نور به درون راه یافته و سازمان فضایی جدیدی حاصل آمده که ترکیب سه ایوانی بناهای سنتی ایران را یادآور میشود. ساختمان از دو حجم برون‌گرا و درون‌گرا ترکیب یافته است. مفصل میان ساختمان برون‌گرا و حیاط درون‌گرا حجمی مکعب شکل است که از فضای پر-سالن اصلی- و فضای خالی- ایوان فوقانی- ترکیب شده است.

ث) ساختمان سفارت ایران در شهر توکیو (حسین شیخ زین الدین): ساختمان، بر مبنای تعادلی کامل بین خصوصیات کشورمان و زمینه ساختاری توکیو، طراحی شده است، نشانه‌های ایرانی با زمینه شهری هماهنگ شده است. ساختمان

جدول شماره ۲) خوانش آثار معماری بر اساس جایگاه دیالکتیک در متن.

ردیف	معمار	نام و مکان اثر	نوع دیالکتیک	سنتز دیالکتیک	نوع تعامل دیالکتیکی	تصویر اثر
۱	حسین امانت	ساختمان میراث فرهنگی تهران	گسست و پیوست موجودیت و موقعیت سکون و حرکت وحدت و کثرت پر و خالی	نقطه اتصال حفظ ذات پویایی یگانگی سیلان	تضمین متبادل	
۲	حسین امانت	برج آزادی	باستان، معاصرشناسی سنت و مدرن توالی و تناوب ساده و پیچیده	تبار شناسی نوآوری تداوم جریان	تکامل متقابل همسو متناوب	
۳	کاروان طباطبایی دیا	موزه هنرهای معاصر تهران	فضا و زمان آفاقی و انفسی شکل و بیشکلی توالی و تناوب وحدت و کثرت	رویداد استعلا تمایز، اثرپذیری تداوم یگانگی	تکامل متقابل همسو متناوب	
۴	حسین شیخ زین الدین	ساختمان سفارت ایران در شهر دوشنبه تاجیکستان	دگربودگی و اکنونیت درون و برون سنت و مدرن آفاق و انفس پر و خالی	دیکانستراکشن آستان یا فعلیت نوزایی استعلا سیلان	تکامل متقابل ناهمسو جبرانی	
۵	حسین شیخ زین الدین	ساختمان سفارت ایران در شهر توکیو ژاپن	متن و زمینه موقعیت و موجودیت پیدا و پنهان نور و سایه	حفظ ذات بینامتن نیمه آشکار سکوت	تکامل متقابل ناهمسو	
۶	سید هادی میرمیران	کتابخانه ملی منطقه کانسای ژاپن	فرم و محتوا نور و سایه حضور و ظهور زمین و آسمان کشش و مکش	عملکرد سکوت سازماندهی فعل پذیر تهی	قطبی شدن دیالکتیکی	
۷	سید هادی میرمیران	ساختمان فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران در شهر تهران	موجودیت و موقعیت سکون و حرکت متن و زمینه سنت و مدرن	حفظ ذات پویایی بینامتن نوآوری	تضمین متبادل	

ادامه جدول شماره ۲) خوانش آثار معماری بر اساس جایگاه دیالکتیک در متن.

ردیف	معمار	نام و مکان اثر	نوع دیالکتیک	سنتز دیالکتیک	نوع تعامل دیالکتیکی	تصویر اثر
۸	آلوارو سیزا	ویلا مایرآ فنلاند	پندار و پدیدار فرم و محتوا سنت و مدرن توالی و تناوب منطقه گرا و جهانی	خوداستعلائی کنش فضا نوآوری تداوم تبادل فرهنگ	تکامل متقابل همسو	
۹	هنرر	خانه مجازی ایده های بدون سایت	فضا و زمان حقیقت و مجاز حضور و غیاب کل و جزء	رویداد ایجاد تخیل تجلی ----	قطبی شدن و ابهام دیالکتیکی	
۱۰	هنرر	خانه گواردیولا اسپانیا کادیز	دیگربودگی و اکنونیت هستی و نیستی شکل و بیشکلی	دیکانستراکشن صیرورت تمایز یا اثرپذیری	بهام دیالکتیکی	
۱۱	هنرر	موزه گوانگ دونگ چین	بین و یانگ حقیقت و مجاز توالی و تناوب موجودیت و موقعیت	چرخه تضاد ایجاد تخیل تداوم حفظ ذات	تکامل متقابل همسو و ناهمسو	
۱۲	برنارد تهمی	مرکز ملی هنرهای معاصر فرسنو پاریس	سنت و مدرن محتوا و فرم توسعه و تولید	نوآوری رویداد همزمانی	قطبی شدن تقابل مناظر	
۱۳	ریتولد و کروکوا	موزه ون گوگ آمستردام	پیدا و پنهان حقیقت و مجاز پر و خالی نور و سایه	نیمه آشکار ایجاد تخیل سیلان سکوت	قطبی شدن تقابل مناظر ابهام	

در تراس سونای این خانه میتوان ساخت و ساز فلزی و بتنی را در کنار سازه های چوبی و روستایی مشاهده کرد. این بنا همزمان به گذشته و آینده اشاره دارد، ژرف ترین ابعاد وجودی زندگی را فراچنگ آورده و یک فضای زیسته تجربی تدارک

آن وجود ندارد، دریافت کننده خود مرکز متحرک تجربه خویش است و وضعیت ها را چونان جریان مداوم مشاهدات و نظرها آشکار میگرداند. تقابل ها در هم می آمیزند و حضوری همزمان دارند. مدرنیته وسنت، درونمایه های آوانگارد وکهن.

می بیند (شیرازی ۱۳۸۹).

خ) خانه مجازی (پیتز آیزنمن): در این خانه، دو مکعب پهلوی هم برای ایجاد ارتباطات قراردارنده که بر اساس آن یک ماشین انتزاعی فرایندی متفاوت را ایجاد می کند. این فرایند زمانی مکانی تبدیلات منجر به ایجاد واقعیات از طریق زمان میشود و معماری را به سوی ابهام خود می کشاند. سپس کالبد به عنوان عنصر متجلی بازخوانی می شود تا در مفهومی عملکردی و معنایی ارائه و ایجاد گردد. در جریان این تغییرات هدف در فضا و زمان، هرگونه ارتباط مستقیم میان عنصرهای واقعی و نماد آنها از بین می رود. مکعب ها میدانی را میسازند که از نظر درونی با هم در ارتباط هستند. این ارتباط تبدیل به برداری میشود که نیروهای حاصل از تعامل بردارها جهت، محور و راستا را بوجود می آورد. در این فرایند خطوط دور از هم که مربوط به یک چندگانگی است، یک شی مجازی بالقوه را به صورت واقعی بوجود می آورد. در مجاز همواره بروز احتمالات جدید وجود دارد.

د) خانه گواردیولا (پیتز آیزنمن): این خانه به عنوان ظرفی ست که اثرات عقلی و اخلاقی اجزای تشکیل دهنده آن هستند و میان طبیعت و خرد، منطق و آشوب وجود دارد. (ثبت جریان آب است که با هر موج به ساحل میرسد و اثر خود را بر آن میگذارد.) این خانه ساختار شکنی کرده زیرا در آن هم ساختار و هم تجسم به طور همزمان به وقوع میپیوندند. از نظر بیرونی و درونی با ساختارهای سنتی متفاوت است، نه چیزی را دربر گرفته و نه چیزی واقع شده است. از موادی ساخته شده که مدام تغییر شکل میدهند و با تاثیر از آنچه مانده شکل گرفته اند. بنابراین ساختارهای برگرفته شده که از ثبت جریانات و تغییرات شکل گرفته اند، نه اسکلت هستند و نه هدف. خانه دارای مشخصات یک برخورد کنترل شده از یک خط میباشد که به طرف پایین کشیده شده و پاک نمیشود، اما در خطوط آن پیچیدگی عواقب و انعکاسهای غیرقابل پیش بینی وجود دارد.

ذ) موزه گوانگ دونگ (پیتز آیزنمن): این موزه ارائه طرحی در تقابل با فرم ارگانیک یا یک حالت بین و یانگ است. یافتن پاسخی دیالکتیکی از طریق هندسه سیال خانه اپرا و چشم انداز سایت. موزه بر مبنای سیرکولاسیون پویا و حرکت مردم در میان فضاهای موزه شکل گرفته است. طرح شبکه ای شصت و چهار خانه ای بر اساس انگاره های شش خطی یی چینگ

(منطق باستانی چینی) است. شامل چهار مسیر حقیقی و چهار مسیر مجازی می شود. راههای حقیقی چهار طبقه از فضای نمایشی را به هم وصل کرده و منجر به ایجاد یک باغ معلق میشود. یک پارکی درون پارک. راههای مجازی مسیرهایی را شامل میشوند که برای رفت و آمد نیستند. مکعب معلق که نیمی از آن شیشه ای و نیمی دیگر توپر است، یک جعبه بین و یانگ است که جعبه های دیگر را دربرمی گیرد. ر) مرکز ملی هنرهای معاصر فرسنو (برنارد چومی): فرسنو مرکزی است برای هنرهای چند رسانه ای تلفیقی، همانند هنرمندان ویدیویی که به موسیقی نیز میپردازند و موسیقیدانهایی که فیلمساز ویا نقاش نیز میباشند. هدف طرح توسعه مدل جدیدی از مرکز هنری از طریق ترکیب کهنه و نو، توسعه و تولید، تمرینهای هنری و نمایش عمومی بود. فضای بینابین قرار گرفته میان سقف فلزی جدید و بام سفال پوش قدیمی عنصر کلیدی طرح محسوب میشود. تلفیق عناصر متفاوت امکان بروز رویدادهای تصادفی را به وجود آورده است. ز) موزه ون گوگ (گریت ریتولد و کیشو کروکاوا): ورودی موزه از طریق فرمی بیضی شکل که نیمی از آن شیشه ای و شفاف و نیمی دیگر بتنی و صلب میباشد، امکانپذیر است. بخش شیشه ای طرح، تماماً از شیشه و با ساختار تکیه گاهی برای سقف شیشه ای نمایان است. فضای آفتابی که در بسیاری از نقاشی های ون گوگ به تصویر کشیده شده، در بنا منعکس شده است که باعث بوجود آمدن تمثیلی از حقیقت آثارش در تجربه عینی از فضا شده است. مصالح شیشه، تجربه نور در فضا و تجربه همزمان درون و برون را در طرح فراهم نموده است.

نتیجه گیری پژوهش

در فرایند پژوهش، بنا بر آنچه توضیح داده شد، پیشینه تاریخی، تعاریف و انواع دیالکتیک و روابط تعاملی آن بصورت تفصیلی بیان شد و رمزگان و محتوای آن از لایه های وجودی مفاهیم بدست آمد.

نتایج بر روی سیزده نمونه موردی آثار معماری داخلی و خارجی خوانش شد و انواع دیالکتیکهای به کار رفته در نمونه ها از ابعاد هستی شناسی، تاریخ و جامعه، انسان و هنر بر اساس فراوانی استفاده از آنها و میزان به کارگیری و استفاده از دیالکتیک در هر ساحت به دست آمد. و نیز تعاملات دیالکتیکی مولفه ها از تفاسیر و مصاحبه با معماران استخراج

جدول شماره ۳) فراوانی و تعداد دیالکتیکهای به کار رفته در نمونه های موردی پژوهش

ردیف	انواع دیالکتیک	سنتز دیالکتیک	تعداد و فراوانی دیالکتیک در نمونه های موردی پژوهش
۱	سنت و مدرن	نوآوری	
۲	موجودیت موقعیت	حفظ ذات	
۳	توالی و تناوب	تداوم	
۴	فرم و محتوا	عملکرد	
۵	حقیقت و مجاز	ایجاد تخیل	
۶	نور و سایه	سکوت	
۷	پر و خالی	سیلان	
۸	سکون و حرکت	پویایی	
۹	وحدت و کثرت	یگانگی	
۱۰	فضا و زمان	رویداد	
۱۱	آفاق و انفس	استعلا	
۱۲	شکل و بی شکل	تمایز یا اثرپذیری	
۱۳	دگربودگی و اکنونیت	دیکانستراکشن	
۱۴	متن و زمینه	بینامتن	
۱۵	پیدا و پنهان	نیمه آشکار	
۱۶	گسست و پیوست	نقطه اتصال	
۱۷	باستان و معاصرشناسی	تبارشناسی	
۱۸	ساده و پیچیده	جریان	
۱۹	درون و برون	آستان یا فعلیت	
۲۰	حضور و ظهور	سازماندهی	
۲۱	زمین و آسمان	فعل پذیر	
۲۲	کشش و مکش	تهی	
۲۳	پندار و پدیدار	خوداستعلایی	
۲۴	منطقه گرا و جهانی	تبادل فرهنگ	
۲۵	حضور و غیاب	تجلی	
۲۶	کل و جزء	---	
۲۷	هستی و نیستی	صیروت	
۲۸	بین و یانگ	بین یا یانگ	
۲۹	توسعه و تولید	همزمانی	

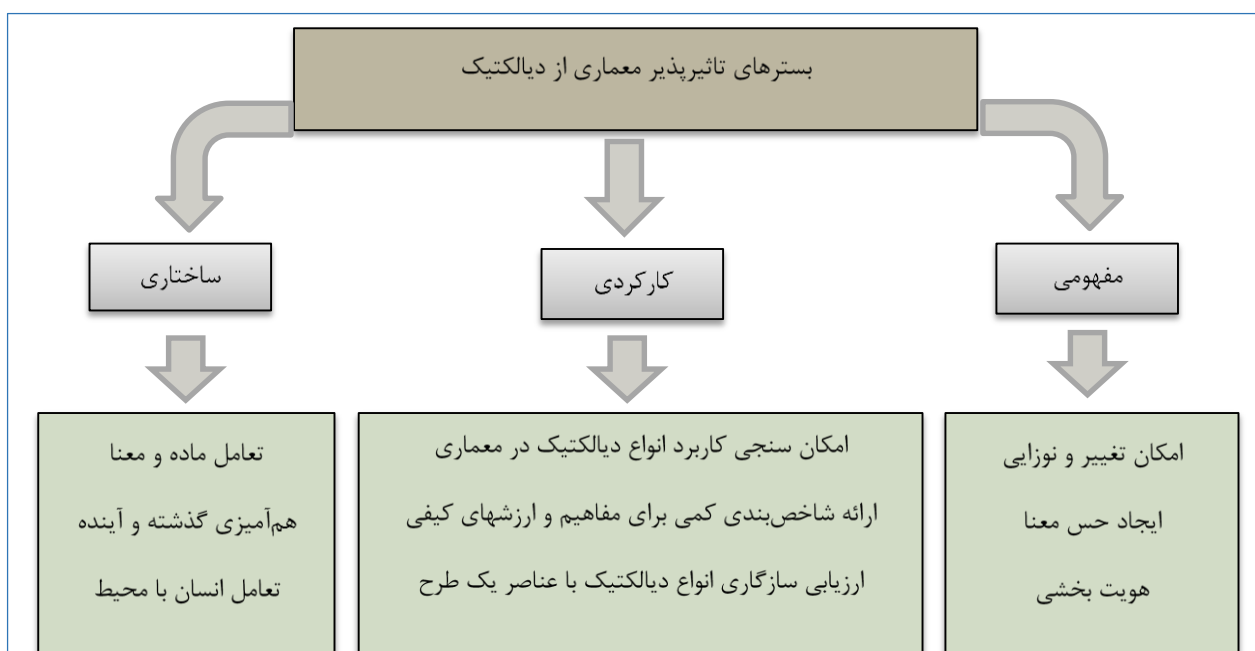
فراوانی در آثار، مرتب سازی شد که نمایانگر پتانسیل بیشتر برخی از انواع دیالکتیک در ایده پردازی و طراحی و نیز نقش آن در ایجاد معنا در یک پدیده می باشد. از آنجا که در جهان کثرت گرای کنونی که همه چیز پیوسته در حال تغییر و نوزایی می باشد، نیاز به مفاهیم، مدل و روش دیالکتیکی که برآمده از مفاهیم عمیق هستی شناسی باشد و انسان بتواند ارتباط بهتری با آن برقرار کند و نیز نقشی در ایجاد معنا در ذهن مخاطب داشته باشد، حائز اهمیت است و

شد و میزان استفاده از هر یک بررسی شد. از آنجا که موضوع پژوهش روش شناسی تفکر است، با روش دیالکتیک، روند شیوه های مختلف تعاملات مولفه های دو قطبی که منتج به سنتزهای مختلفی میشود به روش هرمنوتیکی استخراج شد. انواع دیالکتیک، تعاملات و سنتزهای دیالکتیکی معماری آثار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن **جدول شماره ۲** بیان شده است. سپس بر اساس خروجی جدول، انواع دیالکتیک بر اساس

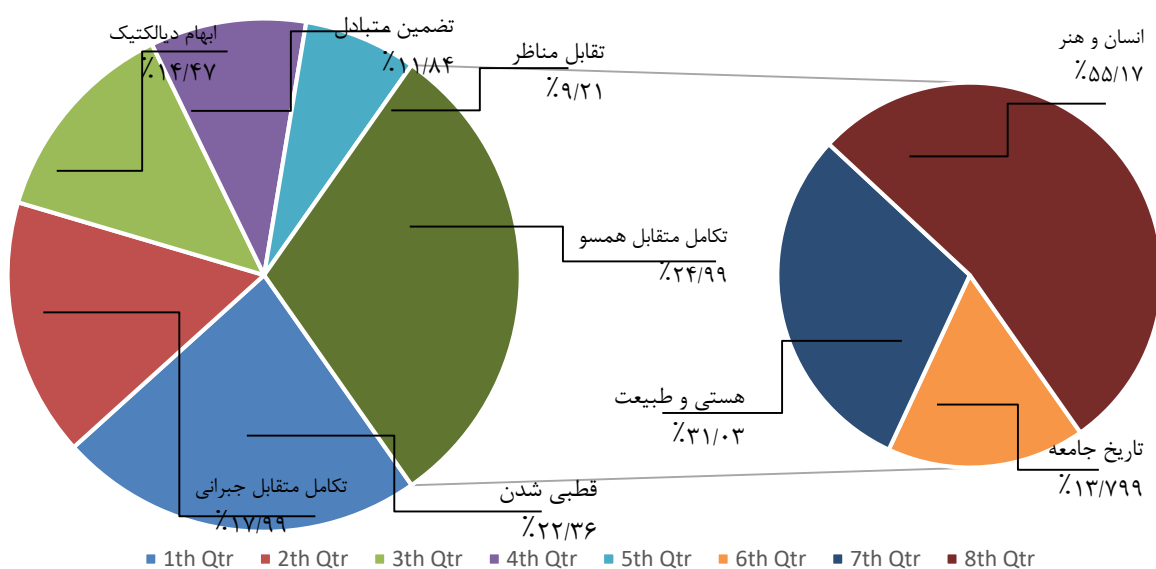
بنابراین، تلاش شد تا در این پژوهش با خوانش آثار معماران معاصر دریچه ای عینی برای این مفهوم ذهنی باز کرد و مولفه هایی از دیالکتیک به دست آمد که این موارد را تا حد امکان پاسخگو باشد.

حاصل پژوهش این است که دیالکتیک می تواند به عنوان مفهوم و روش در فرایند طراحی معماری و خوانش آن، نقش ایفا کند.

نیز با توجه به اینکه یک اثر معماری در مرحله اول باید قابلیت برقراری ارتباط با مخاطب را از لحاظ عینی و ذهنی در قالب مولفه های مفهوم و کارکرد و ساختار داشته باشد. یک اثر باید بتواند از نظر مفهوم، معنا بخش بوده و حس تعلق و هویت بخشی را القا کند و همچنین از لحاظ ساختار بتواند بین گذشته و آینده، فضا و زمان در تعامل بوده و در نهایت کارکردی داشته باشد که قابلیت ارائه شاخص های کمی برآمده از مفاهیم کیفی را دارا باشد.



شکل شماره ۳) دیاگرام امکان پذیری سنتز انواع دیالکتیک در متن معماری.



شکل شماره ۴) میزان کاربرد ساحت های دیالکتیک و تعاملات دیالکتیکی در نمونه های موردی پژوهش.



فهرست منابع:

- تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- گادامر، هانس گیورک (۱۴۰۰)، **دیالوگ و دیالکتیک**، ترجمه امین اصلانی، تهران، نشر نقره.
- گروویچ، ژرژ (۱۳۵۸)، **دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه شناسی**، مترجم: حسن حبیبی، قم، شرکت سهامی انتشار.
- مزاروش، ایستوان (۱۳۹۰)، **مفهوم دیالکتیک از نظر لوکاچ**، ترجمه حسین اقبال طالقانی، تهران، نشر چشمه.
- نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۴)، **برداشتی از حکمت اسلامی در هنر معماری**، تهران، نشر فکر نو.
- Bhaskar, Roy. (1993) **Dialectic: The Pulse of Freedom**. London and New York: Verso.
- Habermas, Jurgen. (1971) **Communication and the Evolution of society**: London.
- Harvey, David. (2005) **Space as a Key Word**. In Castree, N. and Gregory, D. (eds), **David Harvey: A Critical Reader**. Oxford: Basil Blackwell.
- Harvey, David. (1989) **The Condition of Postmodernity**. Oxford: Basil Blackwell.
- Hegel, G.W.F. (1981) **A, vol. II, La Logique de 1 essence**, section II chap.3, A.
- Hegel, G.W.F. (1981) **B, vol. II, La Logique du concept**, section I chap.1, B.
- Jameson, Frederic. (1994) **The Seeds of Time**. New York: Columbia University Press.
- Kovel, Joel. (1989) **Things and Word**. In The Radical Spirit. London: Free Association Book.
- Lefebvre, Henri. (1991) **The Production of Space**. Oxford: Basil Blackway.
- Levins, Richard. (1966) **The Strategy of Model Building of Population Sience**. American Scientist, 54: p.421-31.
- Ollman, Bertell. (1993) **Dialectical Investigations**. New York and London: Routledge.
- Priest, Graham (1990) **Dialectic and Dialetheic, in Science & Society**, Vol. 53, No. 4, New York: Guilford Press.
- Seve, Lucien. (ed.) (2005) **Dynamics and Dialectics of Non-Linear Systems**. Paris: Odile Jacob Editions
- آیزمن، پیتر (۱۳۹۲)، **اظهارات**، ترجمه دکتر سیامک پناهی، تهران، انتشارات پرهام نقش.
- اردلان، نادر. بختیار، لاله (۱۳۹۶)، **حس وحدت، تهران، موسسه علم معمار**.
- آکوزر، لوئیس (۱۳۸۴)، **نظریه های تقابل اجتماعی**، ترجمه دکتر عبدالرضا نواح، تهران: انتشارات رسش.
- آلن، گراهام (۱۴۰۰)، **بینامتنیت**، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، انتشارات مرکز.
- اولمن، برتل، اسمیت تونی (۱۳۹۶)، **دیالکتیک برای قرن جدید**، مترجمان کمال خالق پناه... و دیگران، تهران، نشر اختران.
- اولمن، برتل (۱۴۰۱)، **رقص دیالکتیک**، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، نشر آشیان.
- اژه، مارک (۱۳۸۷)، **نامکان ها**، ترجمه منوچهر فرهومند، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- براد بنت، جفری (۱۳۷۵)، **واسازی**، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۴)، **معماری معاصر ایران**، تهران، ناشر هنر معماری قرن.
- پناهی، سیامک (۱۳۹۹)، **معماری تخته**، تهران، ناشر عصر کنکاش
- پناهی، سیامک (۱۳۹۸)، **ذن راهنمای معماری و شهرسازی** ناشر عصر کنکاش.
- پازوکی، بهمن (۱۳۹۹)، **اندیشه هایدگر در درسگفتارهای اولیه**، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- شرمن، دیوید (۱۴۰۰)، **خودآگاهی هگلی و پساساختارگرایان فرانسوی**، ترجمه محمد مهدی اردبیلی، تهران، نشر نی.
- شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۱)، **معماری حواس و پدیدار شناسی ظریف یوهانی پالاسما**، تهران، نشر رخداد نو.
- فولکیه، پل (۱۴۰۰)، **دیالکتیک**، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات فرهنگ جاوید.
- کوسیک، کارل (۱۳۸۶)، **دیالکتیک انضمامی بودن**، ترجمه محمود عبادیان، تهران نشر قطره.
- گادامر، هانس گیورک (۱۳۹۴)، **دیالکتیک هگل**، ترجمه پگاه مصلح،